

## نمود رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات کردی:

### بررسی جایگاه و آثار ابراهیم احمد

بهار کاظمی<sup>۱</sup>؛ جمال احمدی<sup>۲</sup> (نویسندهٔ مسؤول)؛ بدریه قوامی<sup>۳</sup>؛ رضا برزویی<sup>۴</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹ شهریور ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۲۶ بهمن ۱۳۹۹؛ صص. ۱۷-۳۳

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2020.163>

#### چکیده

#### پوخته

زاراوهی رِیالیزم، به واتای تابهت، ثامازه به بۆ بزوتنه وه به کی ویزهیی سه دهی نۆزدهیم، که له ئینگلیس و فه رانسه دا ده رکه وت. رِیالیزم، به مانای واقعی خوازییه و رِیالیزی سۆسیالیستی، جو ریکه له رِیالیزم که ده په رزیتیه سه ر شیکاری کومه لایه تی، تو بیزنه وه و ده رختنی په یوه ندیه کومه لایه تیه کان و بابه تگه لی تری له م چه شنه. له گرنگترین تابه تمه ندیه کانی رِیالیزی کومه لایه تی، گرنگیدان به مروّف و کیشه کومه لایه تیه کانه. رۆمانی ژانی گهل نووسینی برابم ئه حمه د، نمونه ی به رچاوی رِیالیستی ویزه ی کوردیه. به واتای گشتی، نووسه ر له ژانی گهل دا، هه ولی داوه واقعی ژانی مروّفی کوردی بن دهستی عیراق، پیشان بدات. شیوازی رِیالیستی کومه لگا، وه ک خو ی، ده خاته پیش چاوی خو پنه ر، به لام نووسه ر نابی هه لۆیستی رامیاری خو ی راشکاوانه نیشان بدات. ئه م لیکۆلینه وه به به پشت به ستن به میتۆدی وه سفی-شیکارانه، ژانی گهل وه ک رۆمانیکی رِیالیستی-سۆسیالیستی و هه لگری سی بنه واشه ی لایه نگری سیاسی، تیزوانینی ئایدیۆلۆجیک و گه لخوازی، تاوتوی کردوو و برابم ئه حمه د-ی وه ک نو پنه ری رِیالیزی سۆسیالیستی له ویزه ی کوردیدا ناساندوو.

اصطلاح رئالیسم، به معنی واقع گرایی، به جنبش ادبی در قرن نوزدهم اطلاق می شود که در انگلستان و فرانسه ظهور کرد. رئالیسم سوسیالیستی نیز گونه ای از رئالیسم است که در سده بیستم ظهور یافت و به تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم روابط اجتماعی و مسائلی از این قبیل می پردازد. از مهم ترین مشخصه های رئالیسم اجتماعی توجه به انسان و مشکلات او در جامعه است. رمان ژانی گهل (درد ملت) اثر ابراهیم احمد نمونه ی بارزی از آثار رئالیستی ادبیات کردی است. سعی و تلاش نویسنده بر آن است که انسان ها و اوضاع و احوال جامعه را آن طور که در زندگی واقعی مردم کردستان عراق به نظر می رسد، بازگو کند. سبک رئالیستی واقعیت ها را روشن می سازد، اما نویسنده نباید دیدگاه سیاسی و اجتماعی خود را به وضوح بیان کند. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، با بررسی رمان ژانی گهل به عنوان یک رمان رئالیستی سوسیالیستی و سه اصل بنیادین آن که شامل جهت گیری سیاسی، نگرش ایدئولوژیک و مردم گرایی است، ابراهیم احمد به عنوان نویسنده این رمان نماینده رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات کردی معرفی شده است.

**وشه گه لی سه ره کی:** ویزه ی کوردی؛ رِیالیزم؛ رِیالیزی سۆسیالیستی؛ برابم ئه حمه د؛ ژانی گهل.

**واژگان کلیدی:** ادبیات کردی؛ رئالیسم؛ رئالیسم سوسیالیستی؛ ابراهیم احمد؛ ژانی گهل.

#### ۱- مقدمه

در مکتب رئالیسم، اصل بر این است که نویسنده در خلق اثر ادبی تخیل خود را چندان به کار نگیرد، بلکه با بی طرفی و به دور از هر گونه قضاوتی تنها راوی یک داستان باشد؛ داستانی درباره زندگی مردم رنج کشیده و ضعیف و کارگران و پیشه ورانی که تا آن زمان در هنر و ادبیات توجه زیادی به آنها نشده بود. نویسندگان رئالیست می کوشیدند زندگی مردم زمان خود را به شکلی کاملاً عینی و واقعی در آثار خود منعکس کنند. رئالیست ها در واقع منتقدان اصلی جامعه خود بودند. آنها با نشان دادن مشکلات اجتماعی و فاصله طبقاتی میان مردم و

پرده برداشتن از اعمال ناشایست طبقه اشراف، اعتراض خود را به هیئت حاکمه ابراز می‌داشتند. در رئالیسم این یک شرط بزرگ است که نویسنده باید، با دلیری و بدون حبّ و بغض، هر آنچه را در اطراف خویش می‌بیند صادقانه گزارش کند. شرافت ذهنی یک نویسنده رئالیست در صورتی می‌تواند رئالیسم حقیقی را بیافریند که بازنمون ادبی چنان حرکت وسیعی باشد که مسائل آن، نویسنده را به سوی مشاهده و توصیف مهم‌ترین جنبه‌های خود بکشد؛ همچنین ستون فقرات کارش را محکم سازد و به او آنقدر توانایی و جرأت ببخشد که صمیمیت خود را باور کند. با این حال، نویسنده رئالیست مدافع عقاید و ایدئولوژی خودش است؛ به عبارت دیگر خلق یک اثر ادبی زمینه‌ای برای ابراز عقاید نویسنده آن است. با توجه به اینکه هر نویسنده رئالیست، دارای جهان بینی خاصی است، نگرش او به رویدادها و درک او از زندگی و تاریخ، منعکس کننده تلقی او از مبارزه اجتماعی معاصر است؛ بنابراین اثری که واقعیت را ترسیم می‌کند، الزاماً جهان‌نگری شخص نویسنده را نیز منعکس خواهد کرد و نویسنده هرگز وقایع‌نگار بی‌طرف عصر خود نیست.

پس از گذشت نیم قرن از عمر رئالیسم، مارکس و انگلس مفهوم رئالیسم را تحوّل بخشیدند. از دیدگاه ماتریالیسم دیالکتیک، جهان عینی، پوسته در حال تغییر و تحوّل و تکامل بوده، همه اجزایش در یکدیگر مؤثر و با یکدیگر در ارتباط هستند؛ بنابراین مفاهیم ادراکی ما از واقعیت، همواره در حال تغییر و تحوّلند و بر یکدیگر اثرگذار هستند. اثر هنری و پدیده ادبی فقط برای القای مفهوم و یا انعکاس موضوع و نمایش اتفاق خاصی در اثر هنری نیست و بررسی تعامل جامعه و انسان با نگرشی ذهنی نیست، بلکه آن‌ها را در تمامیت پویا و عینی‌شان به روی صحنه می‌آورد. بر مبنای این معیار، گرایش به درونی‌ساختن صرف و گرایش به بیرونی‌ساختن صرف، هر دو به شیوه‌ای واحد موجب فروکاستن و تباهی همه انواع هنر می‌شود. در مقابل، رئالیسم مستلزم انعطاف‌پذیری، ترسیم همه جانبه اشخاص، زندگی مستقل انسان‌ها و روابط آنان با یکدیگر است.

ترسیم هنری تام و تمام انسان، مسئله زیبایی‌شناختی محوری رئالیسم است؛ اما کاربرد دقیق دیدگاه زیبایی‌شناختی، همان‌گونه که در فلسفه هنر ژرف‌نگری صادق است، از صرف زیبایی‌شناسی فراتر می‌رود: اصل هنر، دقیقاً در ناب‌ترین حالت خود، مجموعه‌ای از جنبه‌های اجتماعی، اخلاقی، و انسان محورانه را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین زیبایی‌شناختی اثر هنری رئالیستی به کلیت مفهوم انسان می‌پردازد. تمامی این‌ها زمینه‌ساز پیدایش شیوه نویسی از رئالیسم با عنوان رئالیسم سوسیالیستی بود. رئالیسم سوسیالیستی، یا همان واقع‌گرایی اجتماعی، با آگاهی نویسنده از طبقه کارگر و جهان بینی این طبقه به وجود می‌آید. در این پژوهش که به صورت توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، با بررسی بستر تاریخی-سیاسی و اجتماعی دوران زندگی نویسنده مشخص شده است که این اوضاع تا چه اندازه در معرفی رمان به عنوان یک رمان رئالیستی سوسیالیستی مؤثر بوده است و اصول اساسی رئالیسم سوسیالیستی تا چه اندازه در رمان *ژانی گهل* بازتاب یافته است.

## ۲- پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های حوزه ادبیات کردی به زبان فارسی تاکنون به جز مقاله «تحلیل و بررسی رمان *ژانی گهل* (درد ملت) از دیدگاه رئالیسم» (۱۳۹۴)، نوشته مهناز نورزاده، در دومین همایش بین‌المللی آینده‌پژوهی، که در آن پژوهشگر با توجه به جنبه‌های رئالیستی رمان به سه اصل شخصیت‌پردازی، درونمایه و مکان می‌پردازد، تاکنون پژوهشی در زمینه رئالیسم سوسیالیستی در خصوص این رمان انجام نگرفته است. اما به زبان کردی مقالاتی در این باره به رشته تحریر درآمده است. همچنین اهدافی که در این پژوهش دنبال شده است، عبارتند از: بررسی بستر تاریخی سیاسی و اجتماعی دوران زندگی ابراهیم احمد و چگونگی بازتاب آن در رمان او به عنوان یک رمان

رنالیستی سوسیالیستی و بازتاب سه اصل بنیادین آن که شامل جهت‌گیری حزبی، نگرش ایدئولوژیک و مردم‌گرایی در رمان است.

### ۳- مبانی نظری

#### ۳-۱- رئالیسم

رنالیسم از واژه *real* اقتباس شده است و در لغت به معنی واقع‌گرایی و بیان واقعیت است و در اصطلاح نام مکتب ادبی است که در ربع دوم سده نوزده نخست در فرانسه به وجود آمد و از آنجا به ادبیات کشورهای دیگر راه یافت. به تصویر کشیدن صحنه‌های واقعی و صادقانه زندگی، اصل و اساس این مکتب به شمار می‌رود. این مکتب نقطه مقابل ایده‌آلیسم است که به جهان خارجی و واقعیت پای‌بند نیست و همه چیز را تصور و خیال ذهنی می‌پندارد. رئالیست‌ها بر این باورند که اگر انسان‌ها از بین بروند، جهان خارج همچنان وجود دارد. به گفته لیلیان فرست رئالیسم «محصول نظریه معرفت‌شناختی خردباورانه‌ای بود که به خیال‌پروری‌های رمانتیسم پشت کرد» (پاینده، ۱۳۸۸: ۱). در مکتب رئالیسم شاهد بیان واقعیت‌های زندگی و توضیح آن‌ها هستیم. نویسنده در این مکتب همواره از مسائلی بهره می‌گیرد که تمامی مردم با آن درگیرند و طرح زمانه محسوب می‌شود؛ بنابراین در تلاش است تا احساسات و افکار و رنج‌ها و شادی‌هایی را که جنبه عمومی دارد و گروه کثیری با طعم آن آشنا هستند، بیان کند (پرهام، ۱۳۹۴: ۳۹). رئالیسم در آغاز کار تنها به ترسیم و توصیف زندگی واقعی بسنده کرد و این مقدمه‌ای برای شروع کار این جریان بود. رئالیست‌ها، نخستین وضعیت‌ها را بدون شاخ و برگ‌های ظریف ارائه می‌دادند، اما در مراحل بعدی از توصیف صرف جزئیات عبور کرده و به انتقاد از اوضاع اجتماعی می‌پرداختند؛ حتی به این مرحله هم اکتفا نکردند و به «تحلیل اجتماعی» روابط و مناسبات زندگی دست زدند. «با گسترش روابط بورژوازی و تضادهای طبقاتی، تمایل به تحلیل واقعیت در هنر و ادبیات نیز بیشتر شد و این در درجه نخست به معنای تحلیل محیط زندگی انسانی بود. و این تحلیل از ویژگی‌های ماهوی رئالیسم بود» (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۵۵). رئالیسم در این مقطع به تحلیل جامعه، روابط میان فرد و جامعه، ساختار جامعه، مطالعه روابط اجتماعی و همچنین مطالعه زندگی انسان در جامعه می‌پردازد (همان، ۲۰).

دیوید لاج در کتاب *نظریه‌های رمان* معتقد است رمان رئالیستی به دو شاخه تقسیم می‌شود: رمان «معطوف به جامعه» و رمان «معطوف به شخص». (۱۳۸۶: ۹۲). لاج اظهار می‌دارد که امروزه رمان «معطوف به جامعه» شامل دو نوع عمده می‌شود: «نخست رمان توصیفی معطوف به جامعه که حکم رمان مستند را دارد. [...] گونه‌ای بسیار متفاوت و مفرحی از رمان معطوف به جامعه، امروزه مورد پسند عامه واقع شده و این نکته حائز اهمیتی است. وجه غالب این گونه رمان، توصیف نیست، بلکه یافتن و محقق کردن فرمولی درباره جامعه است» (همان، ۹۳). بررسی رمان از منظر رئالیسم مشخص می‌کند که رمان *ژانی‌گه* طبق تقسیم‌بندی لاج در کدام دسته از رمان‌های رئالیستی قرار می‌گیرد. رمان‌هایی که معطوف به جامعه هستند و حکم رمان مستند را دارند و برگرفته از واقعیتی تاریخی هستند، رمان‌های رئالیستی سوسیالیستی محسوب می‌شوند. از آنجا که زادگاه رئالیسم سوسیالیستی، شوروی و نویسندگان روس هستند، به بررسی رئالیسم در شوروی پرداخته می‌شود.

#### ۳-۲- رئالیسم در اتحاد جماهیر شوروی

رنالیسم روسی متفاوت از رئالیسم فرانسوی است. رئالیسم روسی تحلیل چرکین‌ترین جنبه‌های زندگی را ترجیح می‌دهد و موضوع آن به قول چخوف «زندگی انسان‌هایی است که به جز خوردن، نوشیدن، خوابیدن و مردن، کار

دیگری نمی‌کنند»؛ حال آن که رئالیسم فرانسوی عبارت است از اراده ادراک روشن‌بینی و آگاهی عینی و یا مقابله با قراردادهای در اخلاق و هنر. دنیای چخوف ایمان از میان رفته را ندا می‌دهد و دنیای ماکسیم گورکی انقلاب را. رئالیسم روسی از دو خصیصه اساسی رئالیسم فرانسه غافل است: نخست روشن‌بینی که به هر شیء جنبه آگاهی می‌دهد و دیگر هنر که به هر واقعیتی مفهوم شیء هنری می‌دهد (سید حسینی، ۱۳۷۱: ۲۸۰). در ادبیات روسیه می‌توان رئالیسم را به سه دوره تقسیم کرد: رئالیسم نخستین، رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی (همان: ۲۷۲).

در خصوص رئالیسم نخستین، شروع آن را با داستان کوتاه «شنل» گوگول<sup>۱</sup> دانسته‌اند. این اثر با سبکی طنزآلود به ترسیم اوضاع اجتماعی روسیه تزاری پرداخته است. در زمینه رئالیسم انتقادی، همان گونه که رضا سید حسینی در مکتب‌های ادبی عنوان داشته است، اگرچه می‌توان ماکسیم گورکی را آغازگر رئالیسم انتقادی در شوروی دانست؛ اما جورج لوکاج در پژوهشی در *رئالیسم سوسیالیستی* در فصل «تولستوی و تحول رئالیسم» تولستوی را بنیان‌گذار رئالیسم انتقادی می‌داند. او معتقد است که تولستوی زمینه پیدایش رئالیسم سوسیالیستی را به دست ماکسیم گورکی در روسیه فراهم آورد. از منظر لوکاج، تولستوی با تیپ‌های متنوعی که در کتاب جنگ و صلح آفریده است، به تحلیل جنبه‌های گوناگون زندگی مردم پرداخته است. هنر وی در توصیف مالکان، دهقانان و انعکاس تضادهای زندگی اجتماعی است (هادی و عطایی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

### ۳-۲- رئالیسم سوسیالیستی

واقع‌گرایی اجتماعی یا رئالیسم سوسیالیستی شاخه‌ای دیگر از واقع‌گرایی است که بعد از پیروزی انقلاب اکتبر و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۱۷ بدان اهمیت گذاشته شد و از سال ۱۹۲۴ به بعد با اصل توجه به اهمیت کار و کارگر و ارزش آن در ساخت جامعه سوسیالیستی مورد حمایت دولت شوروی قرار گرفت و در جامعه آن روز شوروی رواج و تأثیر فراوان یافت (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۰۱). «رئالیسم سوسیالیستی از هنرمند تجسم صادقانه واقعیت را در انکشاف انقلابی‌اش می‌خواهد و نیز از او می‌خواهد که در تحول ایدئولوژیک و تربیت کارگران با روحیه سوسیالیستی شرکت کند» (حسینی، ۱۳۷۱: ۳۰۳). رئالیسم سوسیالیستی بر این اصل دلالت دارد که اصول ادبیات باید بر مبنای جامعه سوسیالیستی تدوین شود؛ بنابراین روسیه را باید زادگاه واقعی رئالیسم سوسیالیستی محسوب کرد. منابع نظری رئالیسم سوسیالیستی برگرفته از آراء کارل مارکس، فردریش انگلس و ولادیمیر ایچ لنین است. البته «کسی که برای نخستین بار واژه واقع‌گرایی اجتماعی را در مقابل واقع‌گرایی انتقادی ابداع کرد، گورکی بود» (فیشر، ۱۳۴۹: ۷۲).

هنگامی که مبارزه طبقاتی از وضعیت محدود خارج می‌شود و رشد سریعی پیدا می‌کند، دوره گذار از رئالیسم انتقادی به رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات است. رئالیسم سوسیالیستی به دنبال آرمان‌ها، اهداف سیاسی خود و تشکیل جامعه‌ای بی‌طبقه است. «رئالیسم در جریان تکامل خود به طور اجتناب‌ناپذیر موجب پیدایش شیوه‌ای نوین و خلاق گردید که می‌توانست عوامل جدید و مؤثر در جامعه را بشناسد و مجسم کند؛ عواملی که سازماندهی مجدد تمامی نظام روابط اجتماعی را بر پایه‌ای سوسیالیستی تدارک می‌دیدند. تکامل رئالیسم انتقادی، راه را برای تحولی کیفی در شیوه رئالیستی گشود و به پیدایش رئالیسم سوسیالیستی منجر گردید» (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۱۸۰). همان‌طور که روزبه‌روز بر قدرت و ثروت سرمایه‌داران افزوده می‌شد، تجمع نیروی طبقه کارگر هم رو به

<sup>1</sup> Gogel.

فزونی بود. «پیدایش رئالیسم سوسیالیستی با رشد سریع خودآگاهی اجتماعی طبقه کارگر پیوند دارد و به نوبه خود، مستلزم آگاهی کامل نویسنده از رسالت تاریخی پرولتاریا می‌باشد» (همان: ۶۲). بنابراین، رئالیسم سوسیالیستی با آگاهی نویسنده از طبقه کارگر و جهان بینی این طبقه به وجود می‌آید. ویژگی اصلی رئالیسم سوسیالیستی تحلیل و ترسیم روند آتی فرد و جامعه در نتیجه دگرگونی سوسیالیستی روابط اجتماعی مبتنی بر مالکیت خصوصی است (همان: ۱۳۷). در رئالیسم سوسیالیستی انسان با تمامیت شخصیت اجتماعی‌اش و فعالیت‌هایش در جامعه، محیط اجتماعی و تاریخی نمایان می‌شود.

### ۳-۳-۱- اصول اساسی رئالیسم سوسیالیستی

همان گونه که هادی عطایی در مقاله «مبانی زیبایی‌شناختی رئالیسم سوسیالیستی» بیان می‌دارد، علی‌رغم طرح مبانی زیبایی‌شناسی رئالیسم سوسیالیستی در شوروی و کنگره نویسندگان، هیچ‌گاه تعریف جامع و کامل از این مفهوم ارائه نشد. صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که هیچ تعریفی قادر نیست جوهره واقعی این رویکرد را انعکاس دهد. رئالیسم سوسیالیستی در تدوین اصول بنیادین، وامدار آراء مارکس در باب هنر و به‌ویژه ادبیات بود و با تأکید بر انعکاس واقع‌گرایی و زمینه اجتماعی محصولات هنری در جامعه شوروی سه اصل بنیادین را در پی داشت:

الف: جهت‌گیری حزبی (پارتی نوئیست): بر این اساس، نویسنده مدافع نمایان سوسیالیسم است و تمام آثار هنری باید بر مبنای جامعه سوسیالیستی و در خدمت پرولتاریا باشد.

ب: نگرش ایدئولوژیک (ایده‌ای نوئیست): تجسم هنری، توأم با اصول ایدئولوژیکی است؛ زیرا در این رویکرد، ایدئولوژی است که خط مشی فرهنگ را تعیین می‌کند.

پ: مردم‌گرایی (نارودنوست): بوریس ساچکوف در تعریفی از هنر سوسیالیستی، به تفصیل در باب این اصل سخن می‌گوید:

«رئالیسم سوسیالیستی، هنر توده‌های مردمی است که خود را از استثمار می‌رهانند یا دست اندر کار رهاندن خویش و پرداختن به فعالیت آگاهانه تاریخ اند، رئالیسم سوسیالیستی به توده‌های مردم تعلق دارد، زیرا از روحی انقلابی برخوردار است، زیرا معتقدات تکامل تاریخی، ضرورتاً به پیدایش جامعه هماهنگ و بی طبقه کمونیسم منجر خواهد شد. رئالیسم سوسیالیستی باید از این آرمان اجتماعی-سیاسی، مفهوم مورد تأیید خودش را از انسان، که کاملاً بر ماهیت بشر دوستانه سوسیالیسم منطبق است، مشتق کند» (در هادی و عطایی، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۴۱).

### ۴-۴- زندگی‌نامه ابراهیم احمد

ابراهیم احمد بگ، نویسنده، شاعر، سیاستمدار، حقوقدان، روزنامه‌نگار و محقق کرد، در بهار ۱۹۱۴ در سلیمانیه عراق به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مرحله ابتدایی تا متوسطه در شهر بغداد تمام کرد. او سپس دانشنامه حقوق خود را در دانشگاه بغداد اخذ کرد و وارد دنیای سیاست شد. پس از چند سال از دنیای سیاست و مشاغل دولتی کناره گرفت و به نویسندگی پرداخت. ابراهیم احمد از دوران کودکی به روزنامه‌نگاری علاقمند بود و نخستین کار ادبی او در روزنامه‌های *هاوار* و *ژبان* و مجلات *دیاری لاوان* و *یادگاری لاوان* در سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ چاپ شده است (قادر مام صالح، ۱۳۹۸: ۱۷-۲۳). ابراهیم احمد در آغاز کار ادبی خود یک نویسنده رمانتیک انقلابی بود؛ اما کم‌کم برخورد با واقعیات زندگی و درک حقایق جامعه‌ای که در آن می‌زیست، او را به

سوی رئالیسم سوق داد و اثر ارزشمند *ژانی گهل* یادگار این دوره از حیات ادبی او است. او در این فاصله تحول، اشعار و مقالات و رسالات گوناگونی در مجله‌ها و روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های کردی و عربی عراق منتشر می‌ساخت و به نوشتن چند داستان نیز پرداخت که مهم‌ترین آنها عبارتند از: «یادگار و هیوا» و «به‌رهو پرووناکی» و «کویره‌وه‌ری» (قاضی، ۱۳۵۸: ۹). مهم‌ترین کار ادبی او انتشار مجله *گلاویژ* بود که از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۹ با همراهی علاءالدین سجادی منتشر می‌شد. این نشریه که از بهترین نمونه مجلات در زمان خودش در خاورمیانه محسوب می‌شد، به احساسات ملی‌گرایی نیز در آن پرداخته می‌شد و ابراهیم احمد از طریق آن بسیاری از کلمات و اصطلاحات را وارد ادبیات کردی کرد. خود ابراهیم احمد در مورد تفکر حاکم بر مجله‌اش به نقل از لنین گفته است: «این مجله باید مردم، خوانندگان، نخبگان، پرولتاریا، کارگران و همه‌ی اقشار را جمع کند» (قادر مام صالح، ۱۳۹۸: ۲۴). ابراهیم احمد ۱۹۴۹ به زندان افتاد و یک سال و نیم از بهترین اوقات عمرش را در زندان دولت عراق گذراند که در آنجا نیز بیکار نمی‌ماند و به نوشتن ادامه می‌داد. از ۱۹۴۹ به بعد هم رمان‌ها و رساله‌های چندی نوشته که بیشتر آنها هنوز چاپ نشده است (قاضی، ۱۳۵۸: ۱۰). ابراهیم احمد سرانجام در سال ۲۰۰۰ در سن ۸۶ سالگی با بیماری ذات‌الریه در غربت از دنیا رفت و جسد وی طی مراسم باشکوهی به سلیمانیه بازگردانده و در منطقه سلیمان بگ سلیمانیه به خاک سپرده شد (قادر مام صالح، ۱۳۹۸: ۱۷-۳۲).

#### ۴- بحث و تحلیل

##### ۴-۱- بستر تاریخی و سیاسی رمان *ژانی گهل*

بر اساس برخی از نظریات، سرآغاز ملی‌گرایی کردی به سال ۱۸۲۱ می‌رسد، زمانی که امیر بدرخان اعلام می‌کند «منم که شاه کشورم، نه سلطان عثمانی، اگر او از من مقتدرتر است، در عوض من از او شریف‌ترم» (کوچرا، ۱۳۷۷: ۲۱). بدرخان بیگ که از اعقاب یکی از قدیمی‌ترین خاندان‌های کردستان است و در سال ۱۸۲۱ امیر بوتان بود، در خط این سنت گام نهاد و در کشمکش فتووالی بین امیران کرد و سلطان عثمانی، نخستین کسی است که بعد قومیت را بر این کشمکش افزود و به عنوان پدر ملی‌گرایی کرد در تاریخ جای گرفت (همان). قرارداد سور نخستین قرارداد بین‌المللی بود که برای اولین بار مسئله کرد را در سطح بین‌المللی مطرح ساخت. این قرارداد میان متفقین پیروز بعد از جنگ جهانی اول، علیه امپراتوری عثمانی و به حمایت از جنبش ملی‌گرای کرد بود. ماده ۶۲ این پیمان پیش‌بینی می‌کند که کمیسیونی متشکل از نمایندگان ایتالیا و فرانسه و بریتانیا، که مقر آن در قسطنطنیه خواهد بود، ظرف شش‌ماه زمینه را برای «خودمختاری» محلی در مناطقی که در آن غلبه جمعیت با کردهاست، فراهم کند، یعنی در مناطق واقع در شرق فرات و جنوب مرز ارمنستان و در شمال مرز ترکیه با سوریه و بین‌النهرین (همان: ۴۷). معاهده سور که سرابی از خودمختاری و استقلال را بر کردان می‌نمود، در حقیقت به منزله اعلام تجدید حیات ترکیه به رهبری کمال مصطفی و تولد عراق تحت حکومت ملک فیصل بود.

اندیشه ملی‌گرایی از سوی کسانی همچون شیخ محمود برزنجی، در سلیمانیه (۱۹۳۲-۱۹۱۹)، قیام شیخ سعید پیران (۱۹۲۵)، قیام شیخ احمد بارزانی (۱۹۳۴-۱۹۳۱) در کردستان عراق ادامه یافت. تا اینکه در پایان جنگ جهانی دوم در اوت ۱۹۴۵ ملا مصطفی بارزانی شورش کرد و اعلام خیزش همگانی کرد. اما پس از موفقیت‌های اولیه ناچار به عقب‌نشینی به ایران شد و از آنجا به شوروری روی آورد.

در آنجا پس از آموزش‌هایی که توسط دولت شوروی به او داده شد، در سال ۱۹۵۸ ملامصطفی به توصیه شوروی و نظر مساعد عبدالکریم قاسم به عراق بازگشت. اختلافات او با حکومت قاسم به جنگ ۱۹۶۱ انجامید. کردها و دولت عبدالکریم قاسم تا سال ۱۹۷۵ با فواصلی از آتش‌بس در جنگ ماندند (رندل، ۱۳۸۷: ۱۸۰-۱۸۱). ابراهیم احمد که در نبود ملامصطفی توانسته بود حزب دمکرات را سر پا نگه دارد، اختلافاتی با بارزانی پیدا کرد. از جمله، استفاده از روشنفکران تحصیل کرده در پست‌های بالای حزب و همچنین تمایلات کمونیستی و چپ که ابراهیم احمد داشت، باعث این تنش‌ها بود. تنش میان کردها و دولت مرکزی با کشته شدن قاسم به دست بعثی‌ها در فوریه ۱۹۶۳ متوقف شد. در سال ۱۹۶۸ قدرت در دست بعثی‌ها افتاد و صدام بر مسند قدرت تکیه زد. در آن زمان ضعیف‌تر از آن بود که اقدامی علیه بارزانی‌ها انجام دهد؛ بنابراین ناچار به توافقی در ۱۱ مارس ۱۹۷۰ با آنها شد. این توافق موجودیت کردها را تصدیق می‌کرد و امتیازاتی از جمله حق آموزش به زبان کردی و کاربست زبان کردی در دستگاه دولتی، تأسیس منطقه خودمختار و انتخاب کردها به عنوان یکی از معاونان رئیس‌جمهور را به کردها داده بود (همان: ۱۸۵).

اما این بار هم کردها از سوی دولت بعث مورد فریب قرار گرفتند و بر سر مسئله کرکوک که یکی از مناطق نفت‌خیز عراق بود، بر سر حدود منطقه خودمختار به توافق نرسیدند و درگیری میان آنها و نیروهای بعث از سر گرفته شد. صدام حسین اقداماتی از جمله بیرون راندن کردها از حوزه‌های نفتی کرکوک و دادن مناطق حاصلخیز آنها به عرب‌هایی که به منطقه آورده بود، کشتن سه پسر بارزانی و تبعید کردها به مناطق بی‌آب و علف مهاری انجام داد (همان: ۲۷۲). پس از درگیری‌های فراوان میان رژیم بعث از سویی و بارزانی و جلال طالبانی از سوی دیگر، صدام به تصفیه حساب اساسی با کردها پرداخت. این تصفیه حساب در آوریل ۱۹۸۷ آغاز و در تمام سال ۱۹۸۸ آن را پی گرفت. «علی حسین مجید» پسر عموی صدام، فرمانده عالی کردستان گردید. ده‌ها هزار کرد به دستور وی اعدام شدند. بسیاری از این اعدام‌شدگان را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند. شمار این کشته‌شدگان تا ۱۸۲ هزار نفر تخمین زده می‌شود که در بین سالهای ۱۹۸۷ تا پایان ۱۹۸۸ و در زمان حکومت «علی حسین مجید» و در عملیاتی که آن را انفال می‌نامیدند، کشته شدند. مناطقی نظیر روستاهای شیخ و یسان و بایسان اولین مکان‌هایی هستند که با سلاح شیمیایی مورد حمله قرار گرفتند.

#### ۲-۴- خلاصه رمان

«ژان» در زبان کردی به معنای درد، درد زایمان و «گهل» به معنی اجتماع مردم است. درد زایمان اجتماع و مراد از آن هم این است که جامعه چه بسا به سان زن باردار، متحمل رنج فراوان گشته و قهرمان یا ملتی آزاد و خوشبخت بزیاید. نویسنده در این رمان روایت یکی از کارمندان اداره دولتی که روز زایمان همسرش برای آوردن ماما از خانه خارج می‌شود و به صورت اتفاقی به جمع معترضان می‌پیوندد و در هنگام کمک به یک زن مجروح توسط مأموران نظامی عراق که مردم را به گلوله بسته‌اند، مجروح و دستگیر می‌شود و سپس به عنوان یکی از رهبران حزب زندانی و پس از ۱۰ سال آزاد می‌شود. او که جوامر نام داشت، گرفتار سرنوشتی محتوم و تغییرناپذیر می‌شود و دستخوش نگرانی، ترس و لرزهای ناشی از جنگ و درگیری، محرومیت‌ها، نومیدی‌ها، آرزوها و امیدهایی می‌شود که در این رمان به تصویر کشیده شده است. تمام این‌ها نمونه‌ای است که به اقلیتی از جوامع انسانی تعلق دارد که گرفتار ظلم و بی‌عدالتی رژیم بعث و همچنین دچار آشفتگی‌های روحی و نابسامانی فکری شده‌اند. هدف نویسنده، پرده برداشتن از بی‌عدالتی‌ها و جنبه‌های نابرابری‌هاست. نویسنده با تشریح صحنه‌ها می‌خواهد مخاطب بیشتر با قهرمانان و وضع روحی آنها آشنا شود، برای مثال زندان حمام سیاسی را چنین تشریح می‌کند:

«حمامی با دیوارهای گلی، کف سیمانی و بشکه‌های قیر خالی که آن را پر از آب می‌کردند و زیر آن را حرارت می‌دادند تا گرم شود. یک حلب نفتی را هم از آب سرد و گل‌آلود گذاشته بودند به همراه یک کاسه کوچک برای اینکه آب بردارند و به سر و بدن خود بریزند. آنقدر عجله می‌کردند که اصلاً نمی‌دانستند که چگونه حمام می‌کنند تا جایی که یکی از آنها شیر بشکه داغ را باز کرد و دست خود را زیر آن گرفت که پوست آن سوخت و تاول زد» (۳۲).

نویسنده در طول داستان به موضوعاتی همچون جنگ و کشتار مردم بی‌دفاع، بمباران روستاها، نشان دادن مبارزات مردم علیه ظلم و بی‌عدالتی‌های موجود و آسیب‌شناسی اجتماعی و روانی جنگ می‌پردازد. سبک رمان با نثری ساده و روان و بی‌تکلف است و از ویژگی‌های بیان محاوره و تعبیرات و اصطلاحات عامیانه، ضرب‌المثل‌ها و جمله‌های کوتاه بهره برده است. رمان در زاویه دید اول شخص، نقل حوادث و اتفاقاتی است که برای قهرمان داستان جوامر اتفاق افتاده است. با دیدن چشم‌های کلاغ سیاه یاد گذشته می‌افتد و خاطرات آن روز، روز دستگیری‌اش تداعی می‌شود. روزی که زنش «کاله» از درد زایمان می‌نالید و جوامر خود را برای پدرشدن نوید می‌داد. بر خلاف همسرش، دختر یا پسر برای او فرقی نداشت. چون ماما دیر کرده، فقط نگران سلامتی کاله و فرزندش بود. با خود کلنجر می‌رود و تصمیم می‌گیرد خود به دنبال ماما برود. از بس دلواپس است نمی‌داند که امروز از طرف حزب رهایی‌بخش مردم برای تظاهرات به خیابان‌ها کشانده شده‌اند و او بی‌خبر از هر جا، به سوی سرنوشتی شوم قدم برمی‌دارد و در دام دشمن قسم خورده می‌افتد و کاله و طفلش را در دست روزگار جفاپیشه رها می‌کند و خود ده سال زندان را بدون هیچ جرمی به دوش می‌کشد. بعد از اتمام دوران محکومیت در زندان آزاد می‌شود و با شوق دیدن زن و بچه‌اش، کاله و هیوا، به طرف منزلش حرکت می‌کند و در طول مسیر یک لحظه از یاد آن‌ها غافل نیست. آیا هیوا مرا خواهد شناخت، عکس‌العمل کاله چگونه خواهد بود. آنان که از آمدنش خبر نداشتند. لحظه‌های به آغوش کشیدن و بوسیدنشان را در ذهن به تصویر می‌کشید.

جوامر وارد کوچه شد، اما از منزلش اثری نبود با خاک یکسان شده بود. به سوی خانه لاوه، پسر عمویش، رفت. به یادش آمد که در نامه‌ای به او نوشته بود که کاله و هیوا را به منزل خود برده و زیرزمین خانه‌اش را به آنها اجاره داده است. جوامر به زور و زحمت پاهایش را به دنبال خود می‌کشید و به سمت خانه لاوه رفت و در زد. پسر بچه‌ای در را باز کرد. ناگهان جوامر هول شد. این هیواست چون خیلی به عکسی که لاوه در زندان برایش فرستاده بود، شبیه است. ولی پسر بچه او را نشناخت و رفت پدرش را صدا زد. لاوه هم ابتدا او را نشناخت. وقتی فهمید او پسر عمویش جوامر است بوسه بارانش کرد و پس از اینکه وارد منزل شدند، جوامر بلافاصله سراغ کاله و هیوا را گرفت. لاوه گفت آن‌ها به ده گولان نزد خاله رفته‌اند. آنجا درگیری است و باید مدتی صبر کند تا کسی را دنبال‌شان بفرستد.

راوی رمان را با تداعی و مرور بعضی از حوادث گذشته همچون جریان بهم خوردن نامزدیش با دختر عمویش آسکول، مشکلات پیروزه خانم، خواستگاری از کاله و خاطراتش با مادرش گسترش می‌دهد. با این وجود یاد زن و فرزند او را آرام نمی‌گذارد. نمی‌تواند منتظر لاوه بماند و از طرفی حق خروج از شهر بدون مجوز از اداره امنیت و اطلاعات نیروی ارتش را ندارد. از راه قاچاق و دزدی به طرف روستای گولان می‌رود. در بین راه شب را در یک



روستا به روز رساند و صبح زود حرکت کرد. هنگام ظهر به یک قهوه‌خانه رسید. صاحب آنجا یک زن به همراه دو فرزند خردسالش بود که شوهرش در درگیری کشته شده بود. جوامر نهار ساده‌ای خورد و در زیر سایه درختی آرام گرفت که ناگهان هواپیماهای دشمن حمله کردند. آنجا و روستاهای اطراف را بمباران و با خاک یکسان کردند. زن قهوه‌چی کشته شد و دو طفل معصومش بی‌پناه ماندند. جوامر آنها را نزد پدر بزرگ پیرشان برد و بچه‌ها را به او سپرد. راه زیادی طی نکرده بود که توسط چند فرد مسلح دستگیر شد و او را به مکانی نامعلوم بردند. پس از گذشت چند روز، فهمید که توسط افراد حزب میهنی دستگیر شده و طی یک بازجویی با ذکر نام نریمان که یکی از رهبران حزب بوده آزاد شد و دوباره با هزار امید به طرف روستای گولان حرکت کرد، ولی چند روز پیش در طی بمباران هوایی تمام روستا با خاک یکسان شده بود و اکثر مردم روستا زیر آوار کشته شده بودند.

بعد از این ماجرا جوامر تصمیم می‌گیرد به مبارزان بپیوندد. زمینش را فروخت، پنجاه دینار آن را بابت بدهی لاهه به همراه یک نامه برایش فرستاد و در آن نوشته بود: «حال اگر انتقام خون مردم را رها کنم، خون زن و بچه‌های بی‌گناهم بر گردن کیست؟ چگونه می‌توانم انتقام خون آن دو عزیز و مایه عمرم را نستانم. خون آنان ناحق ریخته شد، اما ضایع نگردانم و نمی‌گذارم که پایمال شود» (۴۱). اما لاهه در جواب نامه حقیقتی را برای او افشا کرد که زن و بچه‌اش در بمباران روستا کشته نشدند، بلکه روز دستگیری، کاله از شدت درد زایمان فوت کرد و بچه‌اش مرد. «اما عقیده‌ام بر این بود که در آن سیاهی و ظلمت زندان برایت نور امیدی برافروخته کنم تا اندکی نور و روشنایی به آن تاریکی بتابد. امیدی در درونت زنده کنم تا با آن امید ایام زندان را به سر ببری و رؤیاهایت زیباتر شوند و با آن امید خودت را به ادامه زندگی وادار کنی.» با خواندن نامه، جوامر به حدی اشک می‌ریزد که اشک‌هایش نامه را خیس می‌کند. با رفتن جوامر پیش دوستان قدیمی و جویاشدن از احوال آنها، متوجه شد بیشترشان یا کشته شده‌اند، یا در زندان به سر می‌برند یا آواره شده‌اند و یا سر به کوه و دشت گذاشته‌اند. برخی نیز به مبارزان پیوسته‌اند. او متوجه این نکته می‌شود که وضعیت او در زندان به مراتب بهتر از مردم بوده است.

#### ۴-۳- بررسی رمان *ژانی گهل* از منظر اصول واقع‌گرایانه

ابراهیم احمد بینش واقع‌گرایانه و تاریخی دارد و از رویدادهایی سخن می‌گوید که مردم در بستر آن حرکت کرده‌اند. شخصیت‌های داستان او، طبقه عام جامعه است که به منظور عرضه واقعیت‌های کلی درباره شخصیت‌ها و انگیزه‌های آنان، کردار، گفتار طبیعی رایج در منطقه و همچنین رفتاری‌ها و بحران‌های عاطفی را به نمایش می‌گذارد. او به تحول اجتماعی و استقرار دادگری و بهتر شدن وضعیت ستمدیدگان دل بسته است و مبارزه‌های سیاسی و مبارزه برای آزادی وطن بر اندیشه او حاکم است. با اشغال ایران و عراق و منطقه کردستان بعد از جنگ جهانی دوم توسط نیروهای متفقین و روسیه، جریانی بر ادبیات آنها مسلط می‌شود که بسیاری از نویسندگان و روشنفکران تحت تأثیر مارکسیسم روسی و حزب کمونیست روسیه و برخی نویسندگان مطرح در آنجا از جمله ماکسیم گورکی، داستایوفسکی، تولستوی و نیکولا آستروسکی (نویسنده کتاب *چگونه فولاد آبدیده شد*) قرار می‌گیرند. «نویسنده اندیشه‌های انتزاعی را نمی‌پرورد، بلکه واقعیتی تخیلی را می‌آفریند و امکان‌های این آفرینش در درجه اول تابع نیت او نیستند، بلکه به واقعیت اجتماعی‌ای که نویسنده در درون آن زندگی می‌کند و قالب‌های ذهنی‌ای که این واقعیت در ساختنشان نقش داشته است، بستگی دارند» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۱۲).

پرداختن به مسائل طبقات محروم جامعه، توجه نویسنده را به سمت مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان خود می‌کشاند و رمان بهانه‌ای برای بیان اهداف سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود. البته نویسنده معمولاً تعهد سیاسی یا تاریخی وابسته به سیاست و دولت خاصی در نگارش رمانش ندارد، حتی با این هدف (بازگو کردن صرف جریانات سیاسی و تاریخی) نمی‌نویسد؛ «زیرا نوشته‌ای که به‌راستی واقع‌گراست، خود نیروهای مهم زندگی را تصویر می‌کند و از قالب غلبه‌گویی سیاسی (ارائه راه حل سیاسی) و عکس‌برداری صرف امور بیرون می‌آید» (ایگلتون، ۱۳۵۸: ۵۵). ابراهیم احمد در این اثر از نوعی رئالیسم سیاه برای کندوکاو تاریخ پر از رنج و عذاب و مبارزات مردم این منطقه که در سرنوشت اجتماعی، در دنیایی رو به فنا و نابودی است. شخصیت‌های اثرش در طول مسیر زندگی و مبارزات خود لحظه‌های تلخ رنج و اندوه را بر دوش می‌کشند (نورزاده، ۱۳۹۴: ۲).

از آنجا که او در رمانش به بازتاب اوضاع سیاسی موجود در جامعه زمان خود پرداخته و به طبقه محروم و ستمدیده توجه کرده است، می‌توان رمان او را نماینده رئالیسم سوسیالیستی، البته در بافت و معنای ادبیات داستانی کردی و نه به معنا و مفهوم غربی و روسی کلمه دانست. نکته‌ای که در اینجا باید متذکر شد این است که «نویسندگان بزرگ رئالیست از متن تاریخی در حال تحول برمی‌خیزند» (ایگلتون، ۱۳۵۸: ۳۶)، بدین معنی که نویسنده در اوضاع و شرایط (بحرانی) دوره تاریخی‌ای که در رمان به آن می‌پردازد، حضور داشته است. علت موفقیت ابراهیم احمد در داستان‌های همین ویژگی است که او در اثرش به وقایعی می‌پردازد که خودش تجربه کرده است. بر اساس تقسیم‌بندی لاج که پیشتر توضیح داده شد، رمان *ژانی‌گهل*، در ردیف رمان‌های فرمول اجتماعی قرار می‌گیرد. نویسنده بر اساس الگویی که از جامعه و تاریخ گرفته، رمان خود را به نگارش درآورده است؛ بنابراین رمان *ژانی‌گهل* فرمولی اجتماعی را به خواننده‌اش ارائه می‌دهد. بر اساس هدف رئالیست‌ها که تمام توجه‌شان به جنبه‌های تلخ و دردناک زندگی طبقه محروم جامعه بوده، ابراهیم احمد هم به عنوان نویسنده‌ای رئالیست در این رمان به به زندگی مردم کرد در حکومت عراق پرداخته است که از طرف حکومت مرکزی مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند و دولت عراق در پی غصب سرزمینشان به شیوه‌های گوناگونی مانند جنگ با مردم منطقه، بمباران مناطق و روستاهای کردنشین بود و اگر کسی هم علیه آنها و برای احقاق حقوقش مبارزه می‌کرد، زندان و شکنجه و تبعید در انتظارش می‌بود.

توجه قهرمان داستان به دیده‌ها و به تصویر کشیدن آنها نیز از عواملی است که اثر را در ردیف آثار رئالیستی قرار می‌دهد، مانند زمانی که به توصیف فضای زندان می‌پردازد: «حمام عبارت بود از یک چهار دیواری ساخته از حلبی، با کف سیمانی، و یک بشکه خالی مخصوص قیر که از آب پر می‌کردند. یک پیت نفتی هم پر شده بود از آب سرد گل آلود. برای هر سه نفر هم یک قوطی جا پنیری گذاشته بودند که با آن آب به سر و تن خود بریزند» (احمد، ۱۳۵۸: ۳۷). همان‌گونه که قهرمان شیری درباره نوشته رئالیستی می‌نویسد که «ساده‌ترین صورت بازتاب جغرافیای طبیعی، استفاده از نام و نمای مناطق در پس زمینه و مکان وقوع ماجراهاست» (شیری، ۱۳۸۷: ۱۷)، ما این امر را به شکلی ملموس نمونه‌های آن را در رمان *ژانی‌گهل* مشاهده می‌کنیم، همچون اشاره به مکان‌هایی همچون؛ باغ ملی در شهر سلیمانیه، تپه سه‌یوان<sup>۲</sup> در شهر سلیمانیه، روستای گولان<sup>۳</sup> از روستاهای اطراف سلیمانیه.

<sup>۲</sup> گورستانی در شهر سلیمانیه.

<sup>۳</sup> Gulan.

## ۴-۳-۱- بازتاب محیط جغرافیایی

آنگونه که از موارد زیر پیداست جوامر قهرمان داستان در سراسر رمان در پی دادن اطلاعات به خواننده‌اش است. نویسندگان در کنار توصیف فضای شهر و روستاهای اطراف، مبارزات افراد حزب و تظاهرات مردمی را به شیوه‌ای رئال و حقیقی فضا سازی می‌کند. همچنین به توصیف شهر سلیمانیه، خیابان‌ها، قهوه‌خانه و میدان‌های تجمع مردم می‌پردازد، و به تمامی مسائل فرهنگی چون زبان و اشعار و کنایات و ضرب‌المثل‌های خاص آن فرهنگ، القاب محلی و حتی بازی‌های محلی اشاره کرده است که نمایانگر تسلط نویسندگان به فرهنگ کردها و شناخت مردمان و حتی جغرافیای آن شهر است. همین ویژگی باعث اصالت بیشتر اثر می‌شود و بدین طریق برای خواننده همه چیز واقعی و ملموس جلوه می‌کند:

«آخر بی آخر، ساعت هفت بعد از ظهر کنار در دوم باغ ملی قدری منتظر بمان، می‌آیم و با هم می‌رویم» (احمد، ۱۳۵۸: ۸۶).

«از خانه هم بیرون آمدم همانقدر که مردگان گورستان تپه سه‌یوان به فکر شرکت در تظاهرات حزبی بوده‌اند، من نیز همانقدر بوده‌ام» (همان: ۱۰۱).

«یک ماه بیشتر است که به آبادی گولان پیش خاله‌ها رفته‌اند» (همان: ۳۰).

## ۴-۳-۲- توصیف فضای شهر و روستاهای اطراف

«نه بابا، پیشواز چه؟ مثل اینکه از اوضاع بیخبری. مگر کسی از ترس ژاندارم‌ها جرأت بیرون رفتن از خانه را دارد؟» (همان: ۲۷).

«عزیزم، مگر نگفتم به شب بیرون رفتن از خانه قدغن است؟ رستوران‌ها و قهوه‌خانه‌ها تعطیل است و نمی‌توان کسی را پیدا کرد» (همان: ۳۱).

«قهوه‌خانه عه‌به» هم دیگر نمانده است که بگویم به آنجا می‌روی. یادت هست چطور همه ما را دسته می‌کردی و به آنجا می‌بردی؟ همه رفتیم و آن دسته پخش و پلا شد... هر کدام از سویی رفتند. مریوان کشته شد، علی به زندان افتاده» (همان: ۸۲).

«خیلی گشتم. وقتی به مردم می‌گفتم که می‌خواهم به آبادی «گولان» بروید، کم می‌ماند که سنگسارم کنند. می‌گویند در این اواخر جنگ به آنجا کشیده شده و قسمتی از منطقه به تصرف نیروهای دولتی درآمده است» (همان: ۷۳).

«علت سردرگمی او خرابی‌هایی بود که بر آن منطقه وارد آمده بود. قهوه‌خانه‌ای نبود که آتش زده نشده و درختی از آن همه باغ‌ها و چنارستان‌ها نبود که ریشه‌کن نشده باشد. بسیاری از خانه‌های دهات سر راه یا با بمب از پی ویران شده و یا سوخته بودند. اهالی آنجا را تخلیه کرده بودند؛ عده‌ای به شهرها رفته و برخی نیز به کوهستان‌ها پناه برده بودند» (همان: ۱۴۸).

«مردم همین‌که از شهر خارج می‌شدند، دیگر زیر سلطه حکومت نبودند و زیر نفوذ لشکر آزادی‌بخش قرار می‌گرفتند» (همان: ۱۴۵).

«جوامر غرق در این خیالات بود که فرود آمدن چهار نفر از کوه سمت راست رشته افکارش را گسیخت. وقتی

نزدیک‌تر آمدند دید که پنج نفر مرد مسلحند. هر چند می‌دانست که مردان مسلح این کوه‌ها و گردنه‌ها از دشمنان حکومتند» (همان: ۱۵۹).

«کدام دهاتی فلک‌زده جای کافی برای خودش و زن و بچه‌اش مانده است تا به مهمان برسد و به او جا بدهد؟» (همان: ۱۵۱).

#### ۴-۳-۲- توصیف اعتراضات مردمی

«سروصدای ترق و تروق از سمت فرمانداری به گوش می‌رسد. جوامر قدری بر سرعت خود افزود. فریاد زنده باد و مرده باد هزاران تن همچون غریو رعد در کوهستان به گوش می‌رسید. امروز قرار بوده است تظاهرات و میتینگ بزرگی از طرف «حزب نجات بخش» در جلو فرمانداری برگزار شود» (همان: ۱۹).

«لاوه گفت: پس، از این قرار، صدای ترق و تروق تیراندازی‌های دیشب را نشنیده‌ای. صدای تیراندازی آنقدر نزدیک بود که بعید نیست نیروهای آزادی‌بخش (ل-ا-ن) به شهر رخنه کرده باشند» (همان: ۳۹).

«برای او نقل کرد که چگونه بهیبه در یکی از تظاهرات میهنی یگانه پسرش «ابیه» را از دست داده است. پدر پیرش که جگرش آتش می‌گیرد به فرمانداری می‌رود تا جگر گوشه‌اش را پیدا کند... وقتی به در فرمانداری می‌رسد عده‌ای زیادی را می‌بیند که مثل خودش برای بازگرفتن اجساد بستگان خود در آنجا جمع شده‌اند... همه را بی‌سر و صدا روانه زندان می‌کنند» (همان: ۳۴).

#### ۴-۳-۴- اشاره به القاب محلی، ضرب‌المثل‌ها، کنایات، اشعار و بازی‌های محلی

«می‌گویم گرچه آن فاته زله که من می‌شناسم امروز دیگر به تو دختر نمی‌دهد» (همان: ۵۱).

«او برادر همان «حمه چاوشین» خدا بیمارز است که در تظاهراتی که تو نیز در آن بودی شهید شد» (همان: ۸۵).

«جوامر به شتاب از خانه بیرون آمد و به خانه «مامه رشه» که همسایه دیوار به دیوارش بود رفت» (همان: ۱۸).

«این چه بود که پسر «مامنده گوج»<sup>۴</sup> تا چشمش به تو افتاد مثل شکاری که تازی دیده باشد، غیب شد» (همان: ۱۹۱).

«مرغ در آب یک نهر دوبار شنا نمی‌کند» (همان: ۹۰).

«تبدیل به مردی بشوی که در دو جشن بوده» (همان: ۱۳۳).

«خدا همیشه بز شاخدار را بر بز بی‌شاخ مسلط نمی‌کند» (همان: ۱۵۴).

«با کرد حرف بز خودش را لو می‌دهد» (همان: ۱۶۲).

«جامه به اندامه» (همان: ۱۲۵).

«یار کوچ کرده اگر هم باز گردد // زندگی گذشته را باز نخواهد دید» (همان: ۹۰).

«خیلی زود به کاله بازی «دامه»<sup>۵</sup> یاد داد» (همان: ۵۸).

<sup>۴</sup> به معنی مامند خل.

<sup>۵</sup> Dame «دامه» بازی است شبیه به نرد که با تخته و مهره بازی می‌شود.

## ۴-۴-۴ بازتاب اصول رئالیسم سوسیالیستی در رمان

## ۴-۴-۱- نمونه‌هایی از جهت‌گیری سیاسی

جامعه‌ای که ابراهیم احمد توصیف می‌کند اکثریت افراد آن، کسانی هستند که دل خوشی از حکومت مرکزی به خاطر ظلم و ستم‌هایی که در حق آنها روا می‌دارد، ندارند. در این جامعه افراد مبارز و کسانی که عضو جنبش آزادی‌خواه هستند و به خاطر عقایدشان زندان و شکنجه شده‌اند، مورد احترام و کسانی هم که به حکومت خدمت می‌کنند، مورد انزجار و دارای القاب ناخوشی هستند.

## الف: احترام به مبارزین

شخصیت‌های *ژانی‌گه‌ل* را می‌توانیم به دو قطب مثبت و منفی یا خوب و بد تقسیم‌بندی کرد: خوب و بد در مفهوم و معنایی که در داستان با آن برخورد می‌کنیم. جوامر شخصیت اصلی داستان که کارمند یک اداره دولتی و فارغ از هر گونه اندیشه و مرام سیاسی است، در طی اتفاقاتی که در طول داستان برای او رخ می‌دهد و برخورد با بعضی حوادث همچون مشاهده ظلم و بی‌عدالتی‌هایی که از سوی حکومت مرکزی به کردها می‌شود، دستگیری و سرکوب جوانان معترضی که به مخالفت با حکومت مرکزی می‌پردازند و بمباران مناطق کردنشین تصمیم می‌گیرد که به عضویت جنبش آزادی‌بخش درآید که یکی از سازمان‌های مخالف با حکومت و رژیم بعث است؛ بنابراین جوامر را می‌توان به عنوان قهرمان پروبلماتیک رمان دانست. کسانی همچون پسران و همسر نسرين و سایر افرادی که عضو جنبش آزادی‌خواه و مبارزین با حکومت بعث بوده‌اند، شخصیت‌های مثبت داستان هستند. افرادی همچون توفیق خپل و سایر افرادی که خدمتگزار حکومت بعث بوده‌اند، به عنوان شخصیت‌های منفی داستان محسوب می‌شوند. با شواهدی از رمان مبنی بر احترام به مبارزین در جامعه رمان *ژانی‌گه‌ل* و منفوربودن کسانی که به خدمت دولت بعث درآمده‌اند، می‌توانیم دریابیم که اگرچه حکومت بعث به ظاهر و با اعمال سختگیری‌های بسیار بر جامعه حکومت می‌کند، اما رهبری معنوی مردم در اصل به گروه مبارزان و مخالفان رژیم بر می‌گردد تا جایی که جنگ و مبارزه در صف مبارزان را و مرگ در راه آن را مرگی شرافتمندانه می‌دانند. در این خصوص نمونه‌های زیر را می‌توان در رمان مشاهده نمود:

«مثال ما اگر برای شما هزار دینار هم خرج کنیم، باز نخواهیم توانست جبران خوبی‌های شما را بکنیم. شما در راه میهن جان خود را به دست کشیده‌اید؛ زندان دیده‌اید؛ از خوشی و آزادی بی‌نصیب مانده‌اید» (همان: ۳۱).

«اسم صاحبش را نمی‌دانم. می‌گویند خانه مرد بزرگی است که خیلی وقت است، توقیف و زندانش کرده‌اند» (همان: ۱۴۱).

«نسرين با سربلندی و با احساس غرور گفت که هر دو پسرش در لشکر آزادی‌بخش میهن خدمت می‌کنند و شوهرش یک سال و نیم است که دستگیر شده و در زندان بسر می‌برد. به او می‌گویند که تا پسرانش برنگردند، آزادش نخواهند کرد» (همان: ۱۳۷).

«اینکه زندانی نیروهای آزادی‌بخش است. در تمام مدت ده سال دستبند به دست و به همراه مأمور مسلح او را برده و آورده بودند و ککش هم نگزیده بود؛ حتی بعضی وقتها که با آن وضع او را از جاهای شلوغ عبور می‌دادند، افتخار هم می‌کرد؛ چون آن نوع زندانی بودن نشانه میهن‌پرستی و مردانگی او به شمار می‌رفت» (همان: ۱۶۷).

ب: انزجار از افراد خدمتگزار به رژیم بعث

«خدا به داد برسد! «توفیق خیل» جاسوس در این تنگ غروب به این عجله کجا می‌رفت؟ خدا می‌دانست که این سگ شکاری را به دنبال چه نخجیری رها کرده بودند؟ جوامر از اینکه به چنان آدم کثیف گوشت تلخی برخوردار بود، بسیار ناراحت شد و آن را به فال بد گرفت» (همان: ۱۹).

«بسیار ناگوار است که یکی به خاطر طرفداری از حق و حقیقت این گونه دچار بدبختی بشود و یکی دیگر به پاس جانبداری از ناحق این چنین در ناز و نعمت به رویش گشوده شود» (همان: ۱۳۶-۱۳۷).

«آنها متعلق به خانواده میرزا قادر است. دولت مغازه‌دارها را از آنجا بیرون رانده و درشان را قفل کرده است؛ چون دم همین دکانها جاسوسی را کشتند... دستشان درد نکند؛ بسیار آدم بدی بود» (همان: ۱۴۲).

۴-۴-۲- نمونه‌هایی از نگرش ایدئولوژیک

ایدئولوژی اصلی نویسنده در پایان داستان در میان گفت‌وگوی جوامر با نریمان بیشتر نمایان می‌شود؛ جایی که جوامر به نریمان می‌گوید: در این جنگ تر و خشک با هم می‌سوزند (زمانی که خبر کشته شدن زن و بچه‌اش در بمباران روستای گولان به او می‌رسد) و نریمان در جواب او می‌گوید:

«شاید عده‌ای باشند که بگویند آخر این شما می‌دید که بر ضد آن [رژیم بعث] قیام کرده و بر تاخته‌اید. به ناچار آنها نیز با شما چنین می‌کنند. کسی که چنین حرفی می‌زند در وهله اول فراموش می‌کند که ما کجا و چرا بر ضد او قیام کرده‌ایم و با او در می‌آویزیم [...] رژیم می‌کند که با ملت ما به کثیف‌ترین و بدترین درجات آزار و اذیت و غارت و ستم رفتار می‌کند و نه تنها ما را از آزادی و استقلال و زندگی انسانی و گذرانی مردانه محروم کرده است، بلکه تمام تلاش خود را نیز برای نگه داشتن ما در فقر و گرسنگی و عقب‌ماندگی و بیماری و نادانی و تو سری خوری به کار می‌برد. اگر انسان در برابر این همه ظلم و ستم و زور ساکت بماند، چگونه انسانی است» (۱۷۱).

وقتی جوامر از نریمان می‌پرسد تا کی مردم مظلوم باید آسیب و ستم ببینند؟ نریمان در پاسخ او می‌گوید:

«مادام که انقلاب در دنیا وجود داشته باشد، این وضع پا برجاست و تا ظلم و استبداد هست، انقلاب نیز ضرورتی مسلم است. برای دست‌یافتن به آزادی باید به هر نوع فداکاری دست زد و برای رسیدن به یک زندگی نو باید هر بهایی را پرداخت. باید همه چیز در قبال آزادی و سرفرازی بی‌ارزش و کم‌بها به حساب آید. اگر روزی چنین نبود باید گفت که انسانیت مرده و روز روز ستمگر است. باید گفت که ملت عقیم شده و به بردگی و بدبختی و عقب‌ماندگی خو گرفته است» (۱۷۲).

نویسنده با گفتن ابدهایی که از زبان نریمان نقل می‌کند در واقع ایدئولوژی اصلی خودش را به زبان می‌آورد؛ سپس در قالب تمثیلی زیبا لزوم ضرورت انقلاب را برای مردمی که تحت سیطره ظلم بوده‌اند، بیان می‌کند:

«انقلاب درد زایمان ملت است و درد زایمان نیز، چه در مورد زن باشد و چه در مورد ملت، از اسمش پیداست که سخت و توان‌فرسا است؛ لذا عجیب نیست که درد زایمان یک ملت نیز همراه با درد و رنج و ریختن عرق و اشک و خون باشد... لیکن آیا در این شک و شبهه‌ای هست که به دنیا آمدن ملتی آزاد و سرفراز و خوشبخت به زحمت تحمل دردی از این آزارنده‌تر و ناگوارتر هم می‌ارزد؟»

(همان: ۱۷۴-۱۷۶).

با بازگشتی به ابتدای داستان و مرور سخنان کاله و جوامر وقتی که جوامر به کاله که درد زایمان را تحمل می‌کند، می‌گوید: «براستی این درد و عذاب بی‌حساب تا بخواهی ناروا و ظالمانه است و کاله در جواب سخن او می‌گوید: نه عزیزم، این حرف را نزن. دلسوزی نباید چشم حقیقت‌بین تو را کور کند. تولد یک انسان بیش از اینها به زحمتش می‌ارزد» (همان: ۱۷۶). بدین گونه بیان می‌دارد همان‌طور که تولد یک انسان متحمل درد و رنج بسیار است، تولد ملتی سرفراز و آزاد و خوشبخت هم متحمل درد و رنج و خون و اشک است.

در طول رمان ما با واژه‌هایی همچون «رفیق» که چریک‌های انقلابی از آن در خطاب به یکدیگر استفاده می‌کنند (ر.ک. احمد، ۱۳۵۸: ۸۶ و ۱۲۲ و ۱۶۲). به «نهال‌های باغ اجتماع» اشاره می‌شود (همان: ۱۶۴). به کتاب‌هایی با مضمون مارکسیستی همچون کتاب *دیالکتیک* نیز اشاره می‌شود (همان: ۹۰). اشاره به جلساتی که توسط جوانان انقلابی تشکیل می‌شده است (همان: ۹۲ و ۶۳). کاربرد اشعار انقلابی و انتقاد از امپریالیسم نیز به وفور قابل ملاحظه است (همان: ۸۹ و ۱۰۰ و ۱۱۵ و ۱۳۳). تمام این موارد این واقعیت را برای ما روشن می‌سازد که ابراهیم احمد به عنوان نویسنده‌ای که تمایلاتی چپ داشته، رمانش را وسیله‌ای برای ابراز عقاید و ایدئولوژی‌اش قرار داده و سلطه ایدئولوژی که یکی از مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی و رمان‌هایی با مضمون واقع‌گرایی اجتماعی است، در رمانش نمایان است.

#### ۴-۲- نمونه‌هایی از مردم‌گرایی

طبقه‌ای که در رمان *ژانی گهل* توصیف شده، طبقه‌ای انقلابی و معترض است که در پی احقاق حقوق از دست رفته خویش است و خواستار حقوق خود هستند که همان ملتی مستقل و حقوقی که به یک ملت مستقل تعلق می‌گیرد، از جمله سرزمین‌شان که توسط دولت بعث غصب شده است. توصیف طبقه رمان *ژانی گهل* بیشتر به بعد پرولتاریایی پرداخته است.

«داداش جان، زن و بچه تو هم مثل زن و بچه همه این مردم که اکثرشان سال‌های سال است با گرسنگی و بیماری و نداری دست به گریبانند، بی‌آنکه نسبت به دشمن کار بدی کرده باشند تا این ستم غیرقابل تحمل را توجیه کند» (همان: ۱۳۴).

«همینقدر که با وجود فکر کردن به سود و زیان خود به فکر سود و زیان مردم و ملت هم باشی، قدم بزرگی است در راه یافتن طریق درست هماهنگ کردن و تطبیق دادن منافع خود با منافع ملت و یکی کردن آن» (همان: ۱۳۴). «مگر کرد چه چیز خود را توانسته است حفظ کند تا موسیقی و آوازش را حفظ کرده باشد؟ آدم که خودش نبود چیزی هم نخواهد داشت. اموالش را به دیگران سرشکن می‌کنند و دار و ندارش را به تاراج می‌برند. در طول تاریخ هر چه مرد برجسته‌تر بوده در همه زمینه‌ها، از ورزش و فنون و دانش، به بیگانگان خدمت کرده است؛ حال آنکه هنوز ندیده‌ام بیگانه‌ای به یکی از مظاهر ملت کرد خدمت کرده باشد» (همان: ۷۸).

جامعه از افراد گوناگونی تشکیل شده است که با توجه به پایگاه فکری-اجتماعی و اقتصادی‌شان در طبقات مختلفی قرار می‌گیرند. نویسندگان با توجه به ایدئولوژی که بدان باور دارد. طرفدار طبقه تحت سلطه است و به دفاع از این طبقه می‌پردازد. نویسندگان با همدردی بسیار، زندگی پر از رنج مردم و تصویرهای گوناگون آن را ارائه می‌دهد. تصویر ظلم و بی‌عدالتی که بر زندگی و جان مردم سایه انداخته است و مقاومت و مبارزه برای مدینه فاضله، جامعه

جامعه عادلانه و زندگی مطلوب‌تر، مانند اغلب رمان‌های رئالیستی سوسیالیستی محوری‌ترین موضوع این رمان را تشکیل می‌دهد.

## ۵- نتیجه‌گیری

بهترین فرم ادبی که می‌تواند جامعه‌ی زمان خود را به تصویر بکشد، رمان است، زیرا فرصت توصیف جریان‌های اجتماعی-سیاسی در آن بهتر است. ابراهیم احمد در *ژانی‌گهل* به توصیف جامعه و تاریخ و سیاست در دوران حکومت صدام در مناطق کردنشین آن می‌پردازد. رمان به دلیل پرداختن به مسائلی نظیر توصیف اعتراضات مردمی، سرکوب کردها از سوی دولت بعث عراق، و جنگ پارتیزانی کردها با دولت بعث در ردیف رمان‌های واقع‌گرای اجتماعی قرار می‌گیرد که نویسنده در آن به رئالیسم سوسیالیستی روی می‌آورد. خلاقیت نویسنده بسیار متأثر از بستر تاریخی-سیاسی رمان است. *ژانی‌گهل* داستان یک فرد فارغ از هرگونه اندیشه و مرام سیاسی است که تقدیر او را در میدان سیاست قرار می‌دهد تا جایی که به نهضتی می‌پیوندد که برای احقاق حقوق مظلومان و ستمدیدگان چون خود او علم شده است. ابراهیم احمد با الگویی که از تاریخ و جامعه‌ی عصر خود گرفته، رمانش را به رشته تحریر درآورده است. اگرچه او به طور علنی در نوشته‌اش به جانبداری از گروه و حزب خاصی نمی‌پردازد، اما به طور غیرمستقیم سعی بر نشان دادن بر حق بودن گروه جنبش آزادی‌بخش که همان حزب و گروهی بوده که خود او نیز در آن فعالیت داشته می‌پردازد، در نتیجه ما در اینجا به این سخن ساچکوف در مورد نوشته‌های رئالیستی می‌رسیم که نویسنده رئالیست در نوشته‌اش مدافع عقاید و ایدئولوژی خودش است.

با توجه به اینکه رئالیسم سوسیالیستی از هنرمند تجسم صادقانه‌ی واقعیت را در انکشاف انقلابی‌اش می‌خواهد و نیز از او می‌خواهد که در تحول ایدئولوژیک و تربیت کارگران با روحیه‌ی سوسیالیستی شرکت کند. بررسی *ژانی‌گهل* و مطابقت آن با بستر تاریخی-سیاسی و اجتماعی رمان و توجه به سه اصل اساسی رئالیسم سوسیالیستی که شامل جهت‌گیری حزبی، نگرش ایدئولوژیک و مردم‌گرایانه است و یافتن نمونه‌هایی از این سه اصل در این رمان، می‌توان آن را در ردیف رمان‌های رئالیستی سوسیالیستی قرار داد، با تکیه بر این اصل که نویسندگان بزرگ از متن تاریخی در حال تحول بر می‌خیزند. *ژانی‌گهل* با الگویی که از تاریخ و جامعه‌ی زمان نویسنده گرفته است در ردیف رمان‌های فرمول اجتماعی قرار می‌گیرد، در نتیجه رئالیسم او یک رئالیسم اجتماعی است و آراء مارکس در باب هنر و به ویژه ادبیات در نوشته‌های او، البته دریافت و معنای ادبیات داستانی کردی و نه در معنا و مفهوم غربی و روسی آن، در نوشته‌های او صدق می‌کند؛ بنابراین می‌توان ابراهیم احمد را نماینده‌ی رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات کردی دانست.



منابع

- احمد، ابراهیم. (۱۳۵۸). *ژانی گهل*، ترجمه محمد قاضی و احمد قاضی. تهران: نگاه.
- ایگلتون، تری. (۱۳۵۸). *مارکسیسم و نقد ادبی*. ترجمه محمد امین لاهیجی. تهران: کار.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۸). «رمان رئالیستی یا سند اجتماعی؟ نگاهی به مدیر مدرسه آل احمد»، *جامعه شناسی هنر و ادبیات*، ش ۲، صص. ۶۹-۹۸.
- پرهام، سیروس. (۱۳۴۹). *رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات*. تهران: نیل.
- رندل، جاناتان. (۱۳۸۷). *با این رسوایی چه بخشایشی*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پانید.
- ساجکوف، بوریس (۱۳۶۲). *تاریخ رئالیسم*. ترجمه محمد تقی فرامرزی. تهران: تندر.
- سید حسینی، رضا. (۱۳۷۱). *مکتب‌های ادبی*. چاپ یازدهم، تهران: نگاه.
- شیری، قهرمان. (۱۳۸۷). *مکتب‌های داستان‌نویسی ایران*، تهران: نشر چشمه.
- صادقی، رضا. (۱۳۸۹). «رئالیسم و معیارهای آن»، *فلسفه و کلام، فلسفه دین*، ش ۶، صص. ۱۷۸-۲۱۴.
- فیشرا، ارنت. (۱۳۴۹). *ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی*. ترجمه فیروز شیروان‌لو، چاپ سوم، تهران: توس.
- قادر مام صالح، کمال. (۱۳۹۸). *بررسی احوال و آثار ادبی ابراهیم احمد*، دانشگاه آزاد سنندج.
- کوچرا، کریس. (۱۳۷۷). *جنبش ملی کرد*. ابراهیم یونسی. چاپ دوم، تهران: نگاه.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی ادبیات: دفاع از جامعه شناسی رمان*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: هوش و ابتکار.
- لاج، دیوید و همکاران. (۱۳۸۶). *نظریه‌های رمان: از رئالیسم تا مدرنیسم*. ترجمه و گردآوری حسین پاینده، تهران: نیلوفر.
- نورزاده، مهناز. (۱۳۹۴). «تحلیل و بررسی رمان *ژانی گهل* (درد ملت) از دیدگاه رئالیسم»، *مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی آینده‌پژوهی، مدیریت و توسعه اقتصادی*.
- هادی، روح‌الله و تهمینه عطایی. (۱۳۸۸). «مبانی زیبایی‌شناختی رئالیسم سوسیالیستی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران*، سال ۱۷، ش ۶۴، صص. ۱۲۶-۱۴۸.